

معرفی و نقد کتاب

«الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة»

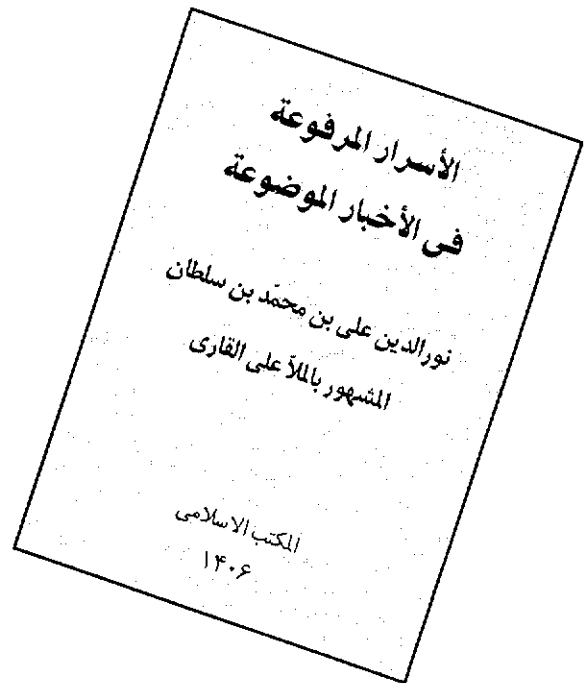
محمد مهدی مسعودی

یکی از آفت‌های مورد ابتلای احادیث، ورود اخبار موضوعه به میان آنها است. از این رو، تحقیق در این زمینه امری ضروری به نظر می‌رسد. محدثان از دیرباز به این نکته توجه داشته و کتب زیادی برای پالایش روایات نگاشته‌اند. برخی به جمع‌آوری احادیث موضوعه مشهور بین زبان‌ها پرداخته‌اند که از جمله آنها کتاب الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة از ملا علی قاری است. در این تحقیق قصد داریم که تا حد توان به معرفی اجمالی این کتاب پرداخته، به برخی نقاط قوت یا ضعف کتاب اشاره‌ای کنیم.

مؤلف

علی بن (سلطان) محمد، نورالدین الملامه هروی القاری، معروف به ملا علی قاری، فقیه حنفی مذهب، در منطقه هرات از مناطق خراسان متولد شد، در زادگاهش رشد کرد، همان‌جا مشغول تحصیل شد، سپس به مکه عزیمت کرد، در آن‌جا اقامت گزید و در سال ۱۰۱۴ ق در همان‌جا درگذشت.^۱

وی در مکه نزد تعدادی از بزرگان آن سامان، همچون ابی‌الحسن بکری (م ۹۵۲ ق) و احمد بن حجر الهیثمی^۲ شاگردی کرد.^۳



الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة (مقدمه محقق)،
نورالدین علی بن محمد بن سلطان المشهور بالملأ علی
القاری، الطبعة الثانية، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۶،

۱. الأعلام، خیرالدین الزرکلی، ج ۵، ص ۱۲، دارالعلم للملایین، الطبعة التاسعة.
۲. احمد بن حجر الهیثمی المکی الشافعی، متولد ۹۰۹ ق در منطقه ابی هبیم از نواحی غربی مصر و متوفای ۹۷۴ ق) در مکه است. (ر. ک: اکتفاء القنوع بما هو مطبوع، آدورد فنلندیک، دار صادر، بیروت، ۱۸۹۶ م، ج ۱، ص ۲۰۲.
۳. ر. ک: الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة (مقدمه محقق)، نورالدین علی بن محمد بن سلطان المشهور بالملأ علی القاری، الطبعة الثانية، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۶، ص ۱۲.

او از رجال قرن دهم بود که اوایل قرن یازدهم را هم درک کرد. وی فردی متنوع الثقافة بود و مصنفاتی در زمینه تفسیر، فقه، حدیث، عرفان و توحید از خود به جای گذاشت. ۴ محقق کتاب می نویسد:

«آنچه با مطالعه کتاب های او و مطالبی که در مورد زندگی اش نوشته اند، استفاده می شود، این است که وی اطلاعات وسیعی در مورد کتاب های اسلامی داشته و بسیاری از مطالبی را که می خوانده، خلاصه می کرده و به همین دلیل تعداد زیادی مؤلفات از خود برجای نهاده که متجاوز از یکصد تألیف است.» ۵

زرکلی می نویسد:

«معاش او از دسترنج خودش تأمین می شده و گفته اند: او در هر سال مصحفی می نوشت و آن را با قرائات و تفسیر حاشیه نگاری می کرد، سپس آن را می فروخت و برای مدت یک سال قوتش کافی بود.» ۶

محقق کتاب می گوید:

«برخی مواضع او دلالت بر وجود تعصب در مذهبش دارد.»

وی به نقل از محبتی می گوید:

«لکنه امتحن بالاعتراض علی الأئمة و لاسیما الشافعی و أصحابه و اعترض علی الإمام مالک فی إرسال الید فی الصلاة... وبالجملة فقد صدر منه أمثال لما ذکر، و كان غنیاً عن أن تصدر منه...» ۷

وی به تبعیت از ابن قیم جوزی بدون ذکر هیچ گونه دلیلی و بدون اشاره به حدیث خاصی تمام احادیثی را که در فضایل امیرالمؤمنین (ع) وارد شده، ساخته شیعیان دانسته و از آن ها به رافضه تعبیر کرده است و این می تواند نشانگر تعصب خشک و دور از انصاف او باشد. ۸

برای مؤلف سه کتاب در زمینه ی احادیث موضوعه با عناوین زیر گزارش شده است:

۱. الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة؛
 ۲. الهیات السنیات فی تبیین الأحادیث الموضوعات ۱۰؛
 ۳. رسالة المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع.
- در این تحقیق برآنیم که در حد توان به معرفی و نقد کتاب الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة پردازیم.

مشخصات کتاب شناختی

این کتاب ظاهراً برای اولین بار در سال ۱۲۸۹ در چاپخانه العامریه در آستانه با عنوان الموضوعات چاپ شده و نسخه ای از

آن در کتابخانه الظاهرية موجود است و نیز در استانبول با همکاری شرکت چاپ عثمانی با عنوان موضوعات علی القاری ۱۱ و بالأخره در سال های ۱۳۹۱ و ۱۴۰۶ با تحقیق آقای محمد بن لطیفی الصباغ چاپ شده است. ۱۲

محقق کتاب گوید:

«عنوانی که مؤلف برای این کتاب اختیار کرده، غیر از عنوانی است که بین طالبان علم از زمان های دور تاکنون شایع بوده و آنچه به روشن شدن عنوان اصلی کمک کرد، این بود که مصنف عنوان را در مقدمه کتابش نیآورده است.» ۱۳

عنوان شایع این کتاب الموضوعات الکبری است و برخی آن را تذکرة الموضوعات الکبری نامیده اند. ۱۴

۴. برای اطلاع از کتاب های مؤلف ر. ک: الأعلام، الزرکلی، ج ۵، ص ۱۲ و نیز ر. ک: هدیة العارفين فی أسماء المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل باشا البغدادی (م ۱۳۳۹)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱، ص ۷۵۳-۷۵۱.

۵. الأسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، ص ۲۲.

۶. الأعلام، ج ۵، ص ۱۲.

۷. الأسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، ص ۲۲ و نیز ر. ک: خلاصة الأثر فی أعیان القرن الحادی عشر، مولی محمد المحبتی، دار صادر، بیروت، ج ۳، ص ۱۸۵.

۸. الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة، ص ۴۵۴. ممکن است گفته شود که مؤلف این مطلب را از ابن قیم جوزی نقل کرده، ولی باید گفت از آن جا که فصول پایانی کتابش - به جز مواردی که خود مؤلف در خلال مباحث به اظهار نظر پرداخته است - تماماً رونویسی از کتاب المنار المنیف ابن قیم جوزی است و نیز چون که برخلاف مواردی که ذیل گفته ابن جوزی از خودش اظهار نظر کرده و حاشیه زده است، در این جا اظهار نظری نکرده است، هیچ گونه عذری از مؤلف پذیرفته نیست. ر. ک: المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، ابن قیم الجوزیه، دار الآثار ۱۴۲۳ ق.

۱۰. ر. ک: کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷)، دار احیاء التراث العربی، بیروت ج ۲، ص ۲۰۲۷.

۱۱. الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة، ص ۱۵.

۱۲. ر. ک: الأسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۶.

۱۳. الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة، ص ۱۵.

۱۴. همان.

عنوانی که بر صورت هر دو کتاب نوشته، اکتفا کرده، لکن در بسیاری از مواقع نَسَاح در حفظ نام مذکور بر وجه کتاب سهل‌انگاری می‌کنند و گاهی در آن تصرف کرده و گاهی نیز در موافقی که ورقه اول کتاب موجود نیست و یا عنوان از روی ورقه اول پاک شده است، از آن عنوان بی‌اطلاع‌اند. از این رو، عناوین بین نسخه‌های مختلف، متفاوت می‌شود.^{۲۲}

زمان تألیف

این کتاب ظاهراً از آخرین مصنفات مؤلف است؛ چرا که دو اشاره در این کتاب وجود دارد که دلالت بر این مطلب دارد. یکی در مقدمه کتاب است که مؤلف می‌گوید: «زمان تألیف این کتاب متجاوز از ۱۰۰۰ سال پس از هجرت است».^{۲۳}

و دوم ذیل حدیث شماره ۵۵۷ است که می‌گوید: «فَإِنَّا متجاوزون عن الألف بضع عشرة سنة».^{۲۴}

۱۵. در ادامه بحث به منابعی که به ذکر عناوین این کتب پرداخته‌اند اشاره می‌شود.

۱۶. اسماعیل باشا در هدایة العارفين هر دو کتاب الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة و رسالة المصنوع فی معرفة الموضوع را آورده (ر. ک: هدایة العارفين فی اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، ج ۱، ص ۷۵۱-۷۵۲) و نیز در کتاب ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون، «رسالة المصنوع فی معرفة الموضوع» ذکر شده (ر. ک: ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، اسماعیل باشا البغدادی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱، ص ۵۶۹) و حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷) در کشف الظنون به کتاب الهیات السننات فی تبیین الأحادیث الموضوعات اشاره کرده است (ر. ک: کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، ج ۲، ص ۲۰۲۷).

۱۷. ر. ک: کشف الخفاء و مزیل الالباس عما اشتهر من الأحادیث علی أسننة الناس، الشیخ اسماعیل بن محمد بن عبدالهادی الجراحی العجلونی الشافعی (م ۱۱۶۲ ق)، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷.

۱۸. ر. ک: الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، مقدمه، ص ۱۶-۱۸.

۱۹. همان.

۲۰. همان.

۲۱. تحقیق کتاب الاسرار المرفوعة بعد از کتاب المصنوع فی معرفة الموضوع صورت گرفته؛ لذا محقق کتاب المصنوع فی معرفة الموضوع از آن کتاب به الموضوعات الکبری که نام مشهور آن است یاد کرده است.

۲۲. المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع و هو الموضوعات الصغری، علی القاری الهروی المکی (م ۱۰۱۴)، حَقَّقَهُ عبدالفتاح ابوغده، مکتب المطبوعات الاسلامیة، الطبعة الخامسة، بیروت، حلب، ۱۴۱۴، ص ۱۴.

۲۳. الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، ص ۳۸.

۲۴. همان، ص ۳۶۹.

همان گونه که قبلاً نیز گفته شد، در مراجعی که به ذکر کتب و

تعریف آن‌ها پرداخته شده، سه کتاب برای مؤلف در زمینه احادیث موضوعه گزارش شده است. ۱۵ آن چه از کلام محقق کتاب استفاده می‌شود که عنوان کنونی کتاب در ابتدا بر تحقیق کننده مشخص نبوده است؛ زیرا از دو نسخه خطی که وی در اختیار داشته، عنوان کتاب بر ورقه اول نسخه خطی کامل نوشته نشده بود؛ چرا که این کتاب در واقع رساله‌ای از مجموعه رسائل مؤلف بوده است. همچنین عنوان موجود بر جلد نسخه خطی دیگر که ناقص بوده، «موضوعات کبیر» بوده است که موافق با چاپ آستانه است. از این رو، نام اصلی کتاب به فراموشی سپرده و در میان مردم به موضوعات کبری مشهور شده است و این، عنوانی نبوده که مصنف برای کتابش اختیار کرده باشد.

محقق کتاب هر چه جستجو می‌کند، در دستیابی به عنوان اصلی موفق نمی‌شود و از گفته‌های علما در مورد عنوان این کتاب نیز به نتیجه قطعی نمی‌رسد؛ چرا که هر کدام به یکی یا بیشتر از این سه عنوان در کتابشان اشاره کرده‌اند، اما چیزی از اوایل کتاب‌ها را ذکر نکرده‌اند.^{۱۶} تا مشخص شود که عنوان مربوط به کدام کتاب است. برخی نیز عنوان الأسرار المرفوعة را نام برای دو کتاب صغری و کبری شمرده‌اند.^{۱۷ و ۱۸}

بالآخره محقق، این کتاب را ظاهراً با همان عنوان الموضوعات الکبری چاپ می‌کند، ولی پس از پایان نسخه‌های چاپ اول کتاب و قبل از چاپ دوم، استاد زهیر الشاویش او را از وجود نسخه‌ای خطی از این کتاب در کتابخانه عامره مطلع می‌سازد که نسخه‌ای قریب العهد به مؤلف و بر روی ورقه اول آن چنین مکتوب بوده است: الأسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة.^{۱۹} گفتنی است که این نسخه خطی همراه با رسائل دیگری در سال ۱۰۵۷ نوشته شده و از آن معلوم می‌شود که وفات مصنف در سال ۱۰۱۴ ق بوده است.^{۲۰} ظاهراً محقق کتاب المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع نیز با همین مشکل مواجه بوده است. ایشان در مقدمه این کتاب می‌نویسد:

«مؤلف کتاب در ابتدای این کتابش و نیز کتاب دیگرش به نام الموضوعات الکبری^{۲۱} عنوانی برای هیچ کدام از دو کتاب ذکر نکرده است و اگر این کار را کرده بود، بهتر بود. شاید ایشان بر

واکنشی نشان نداده و مطلبی را از کتاب کشف الخفاء^{۳۹} عجلونی نقل کرده که در آن اشاره شده به این که این احادیث به افضلیت ابوبکر و عمر ضرری نمی‌رساند و نیز در تأیید آن به روایتی در فضیلت ابوبکر و عمر بر علی(ع) که آن هم به امیر المؤمنین(ع) نسبت داده شده، استناد کرده است،^{۴۰} هر چند محقق اثر در جای دیگر در پاورقی از امیر المؤمنین(ع) به بزرگی یاد کرده و گفته است:

بخاری می‌نویسد:

«سئل عنه الحافظ العسقلانی فأجاب: بأنه حسن، لاصحیح كما قال الحاكم و لاموضوع كما قال ابن الجوزی ذكره السيوطی. و قال الحافظ ابوسعید العلّائی: الصواب أنه حسن باعتبار طرّفه، لاصحیح و لاضعیف فضلاً عن أن یكون موضوعاً ذكره الزركشی».^{۳۴}

البته این که بخاری در کدام کتابش چنین چیزی راجع به حدیث گفته، مؤلف اشاره‌ای نکرده و محقق کتاب نیز ظاهراً منبع آن را نیافته است؛ چون از سخنان محقق در مقدمه چنین فهمیده می‌شود که هر جا به مصدر اشاره نکرده، به دلیل عدم اطلاع از مصدر آن بوده است.^{۳۵} ما نیز هر چه تلاش کردیم، نتوانستیم آن را بیابیم.

به هر حال، بخاری که قریب العهد به زمان امام صادق(ع) بوده و به مدت شش سال در مدینه اقامت گزیده، در حالی که مدینه مرکز تدریس امام صادق(ع) و شهرت آن حضرت همه عالم اسلامی را فرا گرفته بود، تا جایی که علمای اهل سنت در آن زمان از ایشان بهره‌ها برده‌اند، با این حال وی حتی یک حدیث از امام صادق(ع) نقل نکرده؛ در حالی که از برخی خوارج و نواصب و مخصوصاً کسانی که دشمنی آن‌ها با اهل بیت(ع) به طور قطع ثابت شده، روایت کرده است.^{۳۶} وی احادیثی را که بخشی از آن‌ها در فضائل امیر المؤمنین(ع) بوده، تقطیع کرده^{۳۷} است. بنابراین جای تعجب نیست که در مورد این حدیث چنین قضاوت کند.

محمد صادق نجمی در کتاب سبیری در صحیحین می‌نویسد:

«آری، کسی که می‌خواهد کتابی بنویسد که جامع احادیث و تفسیر و تاریخ باشد تا جایی که خود را موظف می‌داند، گفتار و مدح یکی از صحابه را در باره شخص دیگری (معاویه) نقل کند، چگونه می‌تواند موضوع غدیر را با آن اهمیت و عظمت تاریخی نادیده بگیرد و یا حدیث «أنا مدينة العلم و علیّ بابها» را فراموش کند؟ و این بی‌اعتنایی و فراموش کاری محمل دیگری به جز پرده پوشی فضایل امیر المؤمنین (علیه السلام) و از بین بردن حقایق و واقعیات نمی‌تواند داشته باشد».^{۳۸}

جالب اینجاست که محقق کتاب در پاورقی هیچ گونه

«هو أمير المؤمنين علي بن ابي طالب، ابن عم النبي و زوج ابنته فاطمه (س) و أول من أسلم من الصبيان، ولد قبل البعثة بعشر سنين و ربي في حجر النبي (ص) و شهد معه المشاهد الا غزوة تبوك و اشتهر بالفروسية و الشجاعة و الخطابة و العلم...»^{۴۱}.
گفتنی است که ابن المغازلی، از علمای اهل سنت (م ۴۸۳ یا ۵۲۴)، این حدیث را با هفت طریق مختلف در کتابش به نام مناقب الامام علی بن ابی طالب(ع) آورده است.^{۴۲}

برای آگاهی بیشتر راجع به این حدیث، خوانندگان گرامی را به کتاب الغدير علامه امینی ارجاع می‌دهیم.^{۴۳}

مؤلف در مورد حدیث «مَنْ أَخْلَصَ لَلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ظَهَرَ تِيبَابُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلِيٌّ لِسَانَهُ» می‌گوید: «ذکره ابن الجوزی فی الموضوعات و قد أخطأ».^{۴۴}

هم چنین در مورد حدیث ردّ الشمس بر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(ع)، گرچه سعی در تصحیح آن دارد، اما به گونه‌ای به

۳۴. همان، ص ۱۳۹.

۳۵. همان، مقدمه، ص ۲۰.

۳۶. أضواء علی الصحیحین، محمد صادق نجمی، مؤسسة المعارف الإسلامية، الطبعة الاولى، قم، ۱۴۱۹ ق، ص ۱۱۰-۱۱۱.

۳۷. همان، ص ۱۱۶.

۳۸. سبیری در صحیحین، محمد صادق نجمی، انتشارات المهدي، ۱۳۹۶ ق، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۳.

۳۹. نام کامل این کتاب، کشف الخفاء و مزبل الالباس عمّا اشتهر من الأحادیث علیّ السبنة الناس است که شیخ اسماعیل بن محمد بن عبدالهادی جراحی عجلونی شافعی متوفای سال ۱۱۶۲ ق آن را تألیف کرده است.

۴۰. الاسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة، ص ۱۳۹.

۴۱. همان، ص ۴۱.

۴۲. ر. ک: مناقب الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ابی الحسن علی بن محمد الشافعی الشهیر بابن المغازلی، الطبعة الثانية، دار الأضواء بیروت، ۱۴۱۲، ص ۱۱۵.

۴۳. ر. ک: موسوعة الغدير فی الكتاب و السنة و الأدب، العلامة الشیخ عبدالحسین احمد الامینی النجفی، الطبعة الثانية، مؤسسة دائرة المعارف الفقه الاسلامی، قم، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۸۷-۱۱۷.

۴۴. الاسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة، ص ۳۱۵.

تصحیح آن پرداخته که حاکی از تعصب در عقیده اش است. وی پس از ذکر این حدیث می گوید: «قال احمد: لا أصل له و ادعی ابن الجوزی: أنه موضوع لكن قال السيوطي: أخرجه ابن منده و ابن شاهين و ابن مردويه و صححه الطحاوي و القاضي عياض». ۴۵ سپس می نویسد: «أقول: و لعل المنفى ردها بأمر علي و المثبت بدعاء النبي (عليه الصلاة والسلام)». ۴۶

در مورد این حدیث در همین تحقیق هنگام معرفی بخش سوم کتاب، به تفصیل صحبت خواهیم کرد.

۳. ترتیبی که مؤلف در مورد احادیث کتابش آورده، در برخی موارد نادرست است. به عنوان مثال، ترتیب احادیث شماره ۳، ۴، ۵، ۵۴، ۵۵، ۷۸، ۷۹، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۳، ۱۳۴ مطابق با ترتیب الفبایی نیست و احتمالاً اشتباهی از سوی مؤلف بوده است. گاهی اوقات در مورد کلمه ی دوم یا سوم احادیث ملتزم به ترتیب الفبا نبوده است همان گونه در مورد احادیثی که اولشان «ان الله...» آمده، در مورد کلمه بعد از لفظ جلاله این ترتیب را رعایت نکرده است؛ مانند احادیث شماره ۸۵، ۸۶ و ۸۷. ۴۷

گاهی حدیثی را به دلیل این که مناسبت بین آن حدیث و باب دیگر وجود داشته، در غیر از باب خودش آورده و گاهی نیز به آن اشاره ای کرده و نص حدیث را نیآورده است؛ مانند احادیث شماره ۳۶ و ۱۱۴. ۴۸

و بالاخره گاهی نیز حدیثی را آورده، ولی هیچ گونه اظهار نظری در مورد آن نکرده است؛ مانند حدیث شماره ۳۱۵. ۴۹ در کتاب موسوعه الاحادیث و الآثار الضعیفة آمده:

«نکته قابل توجه این که مؤلف کتاب عیناً همان مطالبی را که در مقدمه کتاب الأسرار المرفوعة آورده و انگیزه و طرح خود را در جمع آوری مطالب بیان کرده، در مقدمه کتاب دیگرش به نام المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع که مختصر کتاب الأسرار المرفوعة است، آورده است. ۵۰ و ظاهراً تعدی از سوی مؤلف بوده که کتاب الأسرار المرفوعة را از بخش اول و سوم آن مجرد ساخته و به بخش دوم آن به اختصار بسنده کرده است». ۵۱

با توجه به این نکته، به نظر می رسد مؤلف، کتاب المصنوع را پس از کتاب الأسرار المرفوعة تألیف کرده باشد، برخلاف نظر محقق کتاب المصنوع که معتقد بود این کتاب قبل از کتاب الأسرار المرفوعة تألیف شده که قبلاً توضیح آن گذشت.

گفتنی است که احادیث کتاب الأسرار المرفوعة بالغ بر ۶۲۵ حدیث است؛ در حالی که احادیث کتاب المصنوع فی معرفة الموضوع، ۴۷۸ حدیث است. ۵۲

مباحث کتاب

مباحث این کتاب را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

۱. بخش اول که شامل فصولی است در تخریح حدیث «من کذب علی متعمداً...» و ذکر روایات آن که طرق آن بالغ بر ۱۰۲ طریق است ۵۳، قصاص و چگونگی برخورد آن ها با احادیث ۵۴ و خطرات آن ها ۵۵، و ذکر احادیثی که آن ها وضع کرده اند ۵۶ و ۵۷، چگونگی برخورد علمای حدیث با برخی احادیث موضوعه ۵۸ و ۵۹، زنادقه و وضع حدیث ۶۰، و فصلی در ذکر اقوال علما درباره این که سخن گفتن در مورد اشخاصی که حدیث مردودی نقل کرده اند، غیبت محسوب می شود یا خیر؟ ۶۱

محقق کتاب گوید:

۴۵. همان، ص ۱۴۱.

۴۶. همان.

۴۷ و ۴۸. شماره احادیث بر اساس کتاب الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، تحقیق محمدبن لطیفی الصباغ، طبع دوم، مکتب اسلامی، ۱۴۰۶ است.

۴۹. ر.ک: المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع، علي الفاري الهروي المكي، مکتب المطبوعات الاسلامیه بحلب، طبع پنجم، ۱۴۱۴، ص ۴۳-۴۴.

۵۰. ر.ک: موسوعة الأحادیث و الآثار الضعیفة و الموضوعة، علی حسن علی الحلبي و...، مکتبة المعارف للنشر و التوزيع، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۳۷.

۵۲. همان.

۵۳. الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، ص ۱۰۲.

۵۴. همان، ص ۷۴.

۵۵. همان، ص ۹۰.

۵۶. همان، ص ۸۱.

۵۷. مؤلف، فصول مربوط به قصاص را به صورت پراکنده ذکر کرده و یکجا نیآورده است.

۵۸. الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، ص ۷۵-۷۷.

۵۹. به عنوان مثال، محمدبن اسماعیل بخاری بر پشت کتابش در مورد روایت «الایمان لا یزید و لا ینقص» نوشته: «من حدت بهذا استوجب الضرب الشدید و الحبس الطویل» (الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعة، ص ۷۵ یا ۷۷).

۶۰. همان، ص ۸۹.

۶۱. همان، ص ۷۸.

هو غریب فی قومه»^{۶۷} که مؤلف به دلیل آیه شریفه «إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ»^{۶۸} حکم به بطلان آن کرده است و این مزیت نیکویی است»^{۶۹}.

۳. بخش سوم کتاب را فصول پایانی کتاب تشکیل می دهد. مؤلف در ابتدای فصل اول این بخش می نویسد: ^{۷۰}

«قال شيخ مشايخنا الحافظ شمس الدين السخاوي في خاتمة المقاصد الحسنة في بيان الأحاديث المشتهرة على اللسان...». آن چه از کلام مؤلف استفاده می شود، این است که مؤلف مطالب اولیه بخش پایانی کتابش را از کتاب المقاصد الحسنه برگرفته است.

همچنین با مراجعه به کتاب المنار المنيف ابن قيم جوزی، بسیار واضح است که مؤلف مطالب بخش پایانی کتاب (از فصل سوم تا پایان کتاب) را از کتاب المنار ابن قيم جوزی گرفته، مگر جاهایی که خودش بر مطالب ابن جوزی حاشیه زده و اظهار نظری کرده است.^{۷۱}

از آن جا که نویسنده کتاب در بسیاری از موارد اشاره ای نکرده که مطلب را از کتاب المنار ابن قيم جوزی نقل می کند، لذا در برخی موارد به مطالبی برخورد می کنیم که با نظر خود مؤلف در جاهای دیگر همین کتاب یا کتب دیگر او مخالف است. به عنوان مثال، با این که ذیل حدیث رد الشمس^{۷۲} سعی در تصحیح حدیث کرده و در کتب دیگرش در صدد دفع ایراد مخالفان از این حدیث برآمده است،^{۷۳ و ۷۴} در عین حال در یکی

۶۲. همان، ص ۱۲.

۶۳. ر. ک: الموضوعات، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی بن الجوزی القرشی (۵۹۷-۵۱۰)، دار الفکر، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰۲-۲۹.

۶۴. ر. ک: الدرر المنتثرة في الأحاديث المشتهرة، سيوطي، دارالكتب العلمية، الطبعة الاولى، بيروت، ۱۴۰۸ ق.

۶۵. المقاصد الحسنه في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، شمس الدين ابی الخیر محمد بن عبدالرحمن السخاوي (م ۹۰۲)، مكتبة الخانجي، الطبعة الثانية، قاهره، ۱۴۱۲ ق.

۶۶. الاسرار المرفوعة في الأخبار الموضوعة، ص ۱۳.

۶۷. همان، حدیث شماره ی ۳۰۹.

۶۸. نوح / ۱.

۶۹. الاسرار المرفوعة في الأخبار الموضوعة، ص ۱۴.

۷۰. همان، ص ۳۸۱.

۷۱. ر. ک: المنار المنيف في الصحيح والضعيف، دار الآثار للنشر والتوزيع.

۷۲. الاسرار المرفوعة في الأخبار الموضوعة، ص ۱۴۱، حدیث ۷۷.

۷۳. در بحث های بعدی در مورد این حدیث مفصل صحبت خواهیم کرد.

۷۴. علامه امینی در الغدیر می نویسد: «ملاعلی قاری (م ۱۰۱۴)، در کتاب مرقاة در شرح مشکوٰه پس از ذکر این حدیث و ذکر کلام عسقلانی

مؤلف این فصول را از کتاب تحذیر الخواص سیوطی خلاصه کرده و به آن ملتزم بوده و از آن خارج نشده است و این گونه تصرف از جانب مؤلف عجیب به نظر می رسد؛ که فصولی را از کتابی خلاصه کند و چیزی نیز بر آن نیفزاید، اما کوچک ترین اشاره به کتابی که از آن نقل کرده، نداشته باشد»^{۶۲}. همان گونه که محقق کتاب متذکر شده، مؤلف این بخش از کتابش را از کتاب سیوطی اخذ کرده و سیوطی نیز در جمع آوری طرق حدیث «من کذب علی متعمداً...»، ذکر بالغ بر هفتاد طریق برای آن، متعرض شدن به قصاص وضع کننده حدیث و خطرات آن ها، راه ابن جوزی را پیموده است.^{۶۳}

۲. بخش دوم شامل احادیث موضوعه مرتب شده بر اساس حروف معجم است. همان گونه که قبلاً ذکر شد، مؤلف کتاب در ابتدا قصد داشته که احادیث موضوعه ای را که مشهور بر زبان ها بوده، گرد آورد و از میان آن ها بر آن چه در مورد آن ها «لا اصل له» یا «موضوع» گفته شده، اکتفا کند و احادیثی را که موضوع بودن آن ها اختلافی است، نیاورد و نیز احادیث را به ترتیب حروف الفبا ذکر کند؛ اما او فقط احادیث موضوعه مشهور بین زبان ها را جمع آوری کرده و به بقیه شروط ملتزم نبوده است.

مؤلف در این بخش از کتابش بر کتبی مانند الدرر المنتثرة^{۶۴} از سیوطی، المقاصد الحسنه^{۶۵} از سخاوی، تمیز الطیب من الخیث از ابن ربیع و المغنی عن حمل الأسفار از حافظ عراقی تکیه کرده و نیز از کتبی مثل الموضوعات از ابن جوزی و مختصر آن از ذهبی و کتاب اللآلی المصنوعة و ذیل آن از سیوطی بهره گرفته است.^{۶۶}

احادیث این بخش از کتاب متجاوز از شصت حدیث است. محقق کتاب می نویسد:

«آن چه قابل توجه است، این است که (در جاهایی که مؤلف به اظهار نظر شخصی در مورد حدیثی پرداخته) بهره متن در مناقشه احادیث بیشتر از بهره سند است. گاهی مؤلف کتاب بر بطلان حدیثی به دلیل معارض بودن با آیه ای از قرآن استدلال کرده؛ مانند حدیث «الغرباء ورثة الأنبياء و لم یبعث الله نبياً إلا و

از فصول پایانی کتاب جایی که به ضوابط تشخیص موضوع بودن حدیث بدون ملاحظه سند پرداخته، این حدیث را جزء احادیث موضوعه آورده است. ۷۵

این فصول پایانی کتاب را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد:
۱-۳. فصولی در تنبیه بر اموری که مشهور شده‌اند، اما صحیح نیستند. این فصول شامل این مباحث است: ملاقات برخی ائمه (اهل سنت) با برخی اشخاص، بررسی نسبت برخی کتب به صاحبان آن‌ها، بررسی صحت قبور بعضی از اعلام، کتبی که در زمینه حدیث تألیف شده‌اند، ولی موضوع‌اند و نیز به مناسبت به مباحثی مانند عدم جواز نقل حدیث از کتب متداول و دلیل وجود برخی احادیث موضوعه در کتب برخی علما پرداخته است.

۲-۳. فصلی در مورد این که آیا غیر از بررسی سندی، ضابطه‌ای دیگر برای شناخت حدیث موضوع وجود دارد یا خیر؟ مؤلف در خلال بحث به احادیث موضوعه‌ای که بنفسه دلالت بر مصنوع بودن خود دارند، اشاره کرده است. ۷۶

مطالب این فصل تا پایان کتاب برگرفته از کتاب المنار المنیف این قیم جوزی است که البته مصنف در خلال آن‌ها نظریات خودش یا دیگران را به عنوان حاشیه بر آن مطالب افزوده است. ۷۷

۳-۳. فصولی در مورد ضوابطی که به وسیله آن‌ها می‌توان حدیث موضوع را از غیر آن بدون ملاحظه سند تشخیص داد. مؤلف پس از ذکر هر کدام از این ضوابط، به نمونه‌هایی از احادیث اشاره کرده است. این فصول در ادامه فصل قبلی است و همان گونه که توضیح آن گذشت، برگرفته از کتاب المنار المنیف این قیم جوزی است و البته در برخی مواقع مؤلف دیدگاه خود و یا دیگران را نیز آورده است. ۷۸ این ضوابط که در این فصول، یاد شده‌اند، از این قرارند:

- اشتغال حدیث بر گزافه‌گویی‌های بی‌مورد؛ ۷۹
- مفاد و معنی حدیث مخالف با حس باشد؛ ۸۰
- ناهنجاری حدیث و مایه تمسخر بودن آن؛ ۸۱
- مخالفت آشکار با سنت صریح. ۸۲ مؤلف کلیه احادیثی را که مشتمل بر فساد یا ظلم یا عبث یا مدح باطل یا ذم حق و امثال آن هستند، از این قسم می‌داند؛

این که ادعا شود پیامبر (ص) عمل آشکاری را در محضر تمام صحابه انجام داده است و همه آن‌ها در کتمان آن متفق بوده باشند. ۸۳

در نقد این ضابطه می‌گوییم: پذیرفتن آن مشروط بر این است که عملی که در محضر صحابه انجام شده، کتمان آن به

سوده عده‌ای و به ضرر عده‌ای دیگر نباشد. به عبارت دیگر، عده‌ای از کتمان آن نفع نبرند که در غیر این صورت بسیار طبیعی به نظر می‌رسد که آن عمل یا سخن از سوی این عده پنهان شود. از این رو، بسیاری از فضایل اهل بیت (ع) را که از زبان پیامبر (ص) توسط جمع کثیری از صحابه شنیده شده است، گروهی که معاند با اهل بیت (ع) بودند، نه تنها کتمان ساختند، بلکه در مبارزه با آن بزرگواران نهایت سعی و تلاش خود را نیز به کار گرفتند. دستور منع نقل و نگارش حدیث که تا زمان عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت، نمونه‌ای بارز از تلاش آن‌ها در کتمان حقایق و محو احادیث فضایل اهل بیت (ع) بوده است. مؤلف کتاب به تبعیت از ابن قیم جوزی، حدیث ردّ الشمس بر امیرالمؤمنین (ع) را از این دسته شمرده است؛ هر چند هنگام برشمردن احادیث موضوعه در بخش دوم کتاب، متذکر آن شده و سعی در تصحیح آن نموده است. ۸۴

نامبرده، می‌نویسد: از این جا دانسته می‌شود که ردّ الشمس به معنی تأخیر خورشید است؛ یعنی نزدیک بود غروب کند و پیامبر (ص) آن را باز داشت و بدین ترتیب، ایراد عده‌ای (یعنی ابن جوزی) که گفته‌اند این از غفلت دروغ ساز بوده که صورت فضیلتی را نگریسته و توجهی به فایده‌اش نکرده است، زیرا نماز عصری که با غروب آفتاب قضا شد، بازگشت خورشید آن را روانی سازد، خود به خود پاسخ داده می‌شود.

علامه امینی در ادامه می‌فرماید: «در عین حال، قضا شدن نماز را با بازگشت خورشید می‌توان از خصوصیات و امتیازات دانست که در کار معجزات تأثیرش را بیشتر می‌کند و خداوند از حقیقت آگاه‌تر است.»
ر. ک: الموسوعة الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، ج ۳، ص ۱۹۵.

۷۵. ر. ک: المنار و المنیف فی الصحیح و الضعیف، ص ۳۴.

۷۶. الاسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة، ص ۳۹۹.

۷۷. ر. ک: المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، دارالآثار للنشر و التوزیع، الطبعة الاولى، ۱۴۲۳.

۷۸. همان.

۷۹. الاسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة، ص ۴۰۶.

۸۰. همان، ص ۴۰۶.

۸۱. همان، ص ۴۰۹.

۸۲. همان، ص ۴۱۲.

۸۳. همان، ص ۴۱۳.

۸۴. همان، ص ۱۴۱.



- حدیث بیشتر به سخنان اطبا شباهت داشته باشد. ۹۳

۸۵. ابن کتاب و نیز کتاب مزیل اللبس عن حدیث ردّ الشمس تألیف شمس الدین ابی عبد الله محمد بن یوسف الصالحی (م ۹۴۲) در ضمن کتاب کشف الرّمس عن حدیث ردّ الشمس از شیخ محمد باقر محمودی آورده شده است. (ر. ک: کشف الرّمس عن حدیث ردّ الشمس، الشیخ محمد باقر محمودی، مؤسسه المعارف الاسلامیة، الطبعه الاولى، قم، ۱۴۱۹ق).

۸۶. ر. ک: موسوعة الغدير في الكتاب و السنة و الادب، ج ۳، ص ۱۹۷. ۸۷. برای اطلاع از کتبی که در زمینه «ردّ الشمس» تألیف شده، ر. ک: همان، ص ۱۸۴.

۸۸. علامه امینی در الذخیر (ج ۳، ص ۱۹۶-۱۹۷) می نویسد: «شهاب الدین خفاجی، حنفی (م ۱۰۶۹) در شرح الشفا گوید: «طبرانی به اسناد مختلف از رجالی که اکثر آن ها مورد وثوق اند، این حدیث را روایت کرده است» و نیز گوید: «یکی از شارحان بر این حدیث اعتراض کرده و گفته: این حدیث دروغ و رجالش مورد ایراد، دروغگو و جعل اند.» او نمی داند این سخنان برخلاف حقیقت است و او از کلام ابن جوزی به این اشتباه افتاده، غافل از این که اکثر مطالب کتاب ابن جوزی مردود است؛ چنان که خاتمة الحفاظ سیوطی و نیز سخاوی گفته اند: ابن جوزی در کتاب موضوعات خود برای مجعول جلوه دادن احادیث، خود را سخت به زحمت انداخته؛ تا جایی که بسیاری از احادیث صحیح را چنان که ابن صلاح اشاره کرده، در ردیف مجعولات آورده است».

علامه امینی در ادامه می نویسد: «مصنف (ره) که به صحت این حدیث اعتراف کرده، از تعدد طرق آن شاهد صدقی بر صحتش آورده و قبل از او بسیاری از پیشوایان حدیث مانند طحاوی، صحتش را تأیید کرده اند. ابن شاهین، ابن منده، ابن مردویه و طبرانی در معجمش آن را نقل کرده و طبرانی افزوده است: «حدیث حسن است» علامه امینی در جای دیگر (ج ۳، ص ۱۸۸-۱۸۹) می نویسد: «ابوالمظفر یوسف قزّی و غلی الحنفی (م ۶۵۴) در کتابش به نام تذکرة الخواص این حدیث را روایت کرده، آن گاه به جدّ خود ابن جوزی در قضاوتی که در زمینه این روایت داشته، ایراد گرفته است. خلاصه ایراد او این است که دلیلی بر مجعول بودن این روایت نداریم. روانی که نامبرده شد (ابن جوزی نام برده)، اگر در آن ها ایرادی باشد، عین این روایت را از راویان مورد وثوق که هیچ گونه ایرادی به آن ها نیست و نامبردگان هم در طریقش نیستند، نقل کرده ایم... و این که جدّ من، ابن عقده را متهم دانسته، این اتهام از روی گمان و تردید است، نه از روی قطع و یقین. ابن عقده مشهور به عدالت است. او فضایل اهل بیت (ع) را روایت و بر آن ها اکتفا می کرد و چون متعرض مدح و ذم صحابه نمی شد، او را به رفض نسبت داده اند و مراد از ردّ شمس بازداشت و توقف خورشید از سیر معمولی است نه بازگشت حقیقی و اگر واقعاً هم بازگشت باشد، جای شگفتی نیست؛ زیرا این امر معجزه پیغمبر خدا (ص) و کرامت علی (ع) است...».

۸۹. الاسرار المرفوعة فی الأخبار الموضوعة، ص ۴۱۳.

۹۰. همان، ص ۴۱۵.

۹۱. همان.

۹۲. همان، ص ۴۱۸.

۹۳. همان.

در مورد این حدیث باید گفت: مورد این حدیث با مبنای که مؤلف متذکر شده، بسیار فاصله دارد؛ چرا که طبق مبنای مؤلف باید تمامی صحابه یا گروه زیادی از آن ها شاهد این واقعه بوده باشند که نمی توان در مورد این واقعه چنین چیزی را اثبات کرد. پس این که همه صحابه یا اکثر آن ها، زمانی که پیامبر (ص) در دامان امیر المؤمنین (ع) خوابیده بود، در حضور پیامبر (ص) بودند، قابل اثبات نیست و خود حدیث نیز بر این مطلب دلالت ندارد و اگر مراد مؤلف رؤیت بازگشت خورشید در آسمان از سوی همه مردم بوده، این هم قابل اثبات نیست؛ چون می توان تصور کرد که ردّ شمس اتفاق افتاده باشد، ولی بسیاری از افراد که از ماجرای اطلاع بوده اند، اصلاً متوجه آن نشده باشند.

ذکر این نکته لازم است که سیوطی در مورد این حدیث تصنیف مستقلی دارد به نام کشف اللبس عن حدیث ردّ الشمس^{۸۵} و قبل از او ابی الحسن فضلی شبیه این تصنیف را داشته و طریقش را با اسانید بسیار آورده و صحتش را در حد اعلی تأیید کرده و با ابن جوزی که در بعضی رجال آن خدشه وارد ساخته، به مخالفت پرداخته است. ۸۶ و ۸۷

برای اطلاع بیشتر راجع به این حدیث، خوانندگان محترم را به کتاب الذخیر علامه امینی ارجاع می دهیم؛ ۸۸

- این که حدیث فی نفسه باطل باشد و بطلان آن دلالت دارد

بر این که از فرمایش های پیامبر (ص) نیست؛ ۸۹

- این که حدیث با سخنان انبیا (ع) و صحابه شباهتی نداشته

باشد. ۹۰

در نقد این ضابطه می گوئیم: در صورتی می توان این ضابطه را پذیرفت که وجه عدم شباهت مشخص شود و در صورت منطقی بودن آن می توان به این ضابطه عمل کرد. به عنوان نمونه، مؤلف حدیث «ثلاثة تزيد في البصر: النظر إلى الخضرة و الماء الجاری و الوجه الحسن»^{۹۱} را طبق این ضابطه موضوع شمرده، ولی به وجه عدم شباهت این سخن با سخنان انبیا (ع) اشاره ای نکرده است؛

- این که در حدیث ذکر تاریخ شده باشد. ۹۲

در نقد این ضابطه نیز باید گفت: کلیت آن قابل پذیرش نیست؛

این مبنای قابل مناقشه است، زیرا از آن جا که علم پیامبران (ع) از جانب خداست، طبیعی است که در مورد غذاها و داروهای مختلف و خواص آن ها سخنانی داشته باشند. از این رو، پذیرش این مبنا در نسبت دادن یک حدیث به وضع بعید به نظر می رسد، مگر اینکه دلیل خاصی بر وضع گروهی از این گونه احادیث داشته باشیم؛

۹۴- احادیث عقل، همگی دروغ است.

این مورد نیز نمی تواند یک مبنا محسوب شود؛ چرا که اثبات آن نیاز به دلیل دیگری دارد؛

۹۵- احادیثی که در مورد خضر (ع) و زندگی اش است، همگی دروغ است و حتی یک حدیث در مورد زندگی خضر (ع) صحیح نیست.

این مورد نیز به عنوان مبنا و ضابطه قابل پذیرش نیست و خودش نیاز به دلیل دارد؛ گرچه ممکن است که با بررسی تک تک احادیث به چنین نتیجه ای هم برسیم؛

۹۶- حدیثی که شواهد صحیحی بر بطلان آن موجود است. مؤلف حدیث «قاف جبل محیط بالأرض» را از این دسته دانسته است؛

۹۷- مخالفت حدیث با صریح قرآن؛

۹۸- همه احادیث نمازهای ایام و لیالی مثل نماز روز شنبه و شب آن و ...، دروغ است.

همان گونه که ملاحظه می شود، در این جا نیز نیاز به ارائه دلیل داریم و تا دلیلی منطقی ارائه نشود، نمی توانیم کلیت این مبنا را بپذیریم؛

۹۹- احادیث نماز نیمه شعبان.

این مورد نیز مانند مورد قبلی است؛

۱۰۰- رکاکت الفاظ حدیث و ناهنجار بودن آن به گونه ای که گوش طاقت شنیدن آن را ندارد و طبع انسان از آن دوری می کند؛

۱۰۱- احادیث ذم اهل حبشه و سودان؛

۱۰۲- احادیث ذم ترك، خصیان و بردگان؛

۱۰۳- همراه حدیث قرآنی باشد که از آن قرائن بطلان حدیث فهمیده شود.

۱۰۴- مؤلف حدیث برداشته شدن جزیه از اهل خیبر را از این قسم شمرده است.

مؤلف در پایان فصول، احادیثی را به کلی موضوع شمرده است؛ مانند احادیث مربوط به کبوتر، مرغ، ذم اولاد، فضایل سور و ...

همان گونه که مشاهده می شود، بسیاری از احادیثی که مؤلف در بخش پایانی کتاب آن ها را موضوع دانسته، جای بررسی دارد؛ مانند احادیث فضایل سور که وی همه آن ها را موضوع شمرده است. ۱۰۵- برخی از احادیث هم بدون دلیل قابل قبولی جزء احادیث موضوع شمرده شده؛ مانند احادیثی که در مورد خواص برخی غذاها وارد شده؛ در حالی که مؤلف همه آن ها را تنها به این دلیل که شباهت با کلام اطبا دارند، موضوع دانسته است. ۱۰۶- پاره ای را نیز به پیروی از تعصب عقیدتی این قیم جوزی جزء احادیث موضوع شمرده است. به عنوان مثال، بدون ذکر هیچ گونه دلیلی و بدون اشاره به مورد خاصی، تمام احادیثی را که در فضایل امیر المؤمنین (ع) وارد شده، ساخته و پرداخته شیعیان دانسته و از آنان به رافضه تعبیر کرده است و این نشانه تعصب عقیدتی بیجا و بی مورد او و کسی است که از او (ابن قیم جوزی) نقل می کند. ۱۰۷

تحقیق کتاب

این کتاب با تحقیق محمد بن لطیفی الصباغ، در سال ۱۴۰۶ در بیروت برای بار دوم به چاپ رسیده است. محقق کتاب درباره

۹۴. همان، ص ۴۲۱.

۹۵. همان، ص ۴۲۲.

۹۶. همان، ص ۴۲۵.

۹۷. همان، ص ۴۳۱.

۹۸. همان، ص ۴۳۸.

۹۹. همان.

۱۰۰. همان، ص ۴۴۱.

۱۰۱. همان، ص ۴۴۲.

۱۰۲. همان، ص ۴۴۳.

۱۰۳. همان، ص ۲۲.

۱۰۴. همان.

۱۰۵. همان، ص ۴۵۳.

۱۰۶. همان، ص ۴۱۸-۴۲۰.

۱۰۷. همان، ص ۴۵۴ و نیز ر. ک: المنار المنیف، ابن قیم الجوزیه،

ص ۵۸.

انگیزه اش در مورد تحقیق این کتاب می نویسد:

«و هناك مزية أخرى للكتاب وهي أنه يتعرض للأحاديث الشائعة بين الناس و يقتصر من هذه الأحاديث على الموضوع فحصلت على نسخة من الكتاب و شرعت في نسخه، فوجدت هذه الطبعة محشوة بالتحريف و الأغلاط و عافيت في تحقيقها ما أحتسب الأجر فيه عند الله ...» . ۱۰۸

محقق در مقدمه کتاب عملیاتی را که بر روی این کتاب انجام داده، بیان کرده که در این جا به طور خلاصه به آن اشاره می کنیم: ۱۰۹

۱. تصحیح متن کتاب با مراجعه به دو نسخه خطی و یک نسخه چاپی. وی هیچ کدام از این سه نسخه را برای این که آن را متن اصلی قرار دهد، ارجح ندیده است. این سه نسخه عبارت اند از:

- نسخه کاملی که ضمن مجموعه ای از رسائل متعدد بوده است.

- نسخه خطی ناقصی که احادیث تا حرف طاء بیشتر در آن موجود نبوده است.

- نسخه ای که شرکت صحافی عثمانیه در استانبول آن را به چاپ رسانده و سال چاپ آن مذکور نیست.

محقق می گوید این کتاب نسخه های خطی زیادی دارد؛ از جمله در: مکتبه السعودیه در ریاض، مکتبه الحرم المکی، مکتبه الاوقاف در بغداد و کتابخانه هایی در ترکیه و آلمان که همه این ها دلالت بر شیوع این کتاب دارد.

وی اظهار می دارد: به کتبی که به عقیده او مؤلف بر آنها اعتماد داشته، مراجعه کرده است؛ مثل الدرر المنتثرة از سیوطی، تمییز الطیب من الخبیث از ابن ربیع، المقاصد الحسنه از سخاوی، و نیز کتبی که پس از این کتاب تألیف شده؛ مثل کشف الخفاء عجلونی که وی بسیار از آن بهره جسته و الفوائد الموضوعه مرعی کرمی. ۱۱۰

۲. ترجمه بسیاری از اعلام کتاب.

۳. تعلیق بر مطالب کتاب در موارد لزوم و اشاره به مواردی که نظرش مخالف دیدگاه مؤلف بوده و یا احیاناً خطایی دیده و نیز گاه اشاراتی به آرا و نظریات علما کرده است.

۴. ارجاع آیات و اعراب گذاری آن ها.

۵. مصدربابی احادیثی که مؤلف به آن ها استشهاد کرده است.

۶. شماره گذاری طرق حدیث متواتر «من کذب علیّ متعمداً

فلیتبوا مقعده من النار» که مؤلف در بخش اول کتاب آورده و نیز شماره گذاری احادیثی که بخش دوم کتاب را تشکیل می دهد، ولی احادیثی را که در بخش سوم کتاب آمده، شماره گذاری نکرده است.

۷. اعراب گذاری مطالب کتاب تا جایی که نیاز خواننده عادی را پاسخگو باشد و نیز اعراب گذاری نصوص احادیث و اسماء اعلام از اشخاص و امکنه تا جای ممکن.

۸. ارائه فهرست های متعدد در پایان کتاب برای راحتی کار مراجعه کننده؛ مانند فهرست احادیث کتاب و غیره.

سایر تالیفات

همان گونه که گذشت، صاحب کتاب مؤلفات متعددی از خود در زمینه های مختلف به جای نهاده است که محقق کتاب به ۱۲۵ عنوان کتاب از وی اشاره کرده و گفته است:

«آن چه گمان می رود؛ این است که مؤلف کتب دیگری نیز داشته که ما بر آن اطلاع نیافته ایم و بعید نیست که کتابی با دو اسم نام گذاری شده باشد و حجم این کتب نیز بین رساله ای که شامل چندین برگه است تا کتابی که مجلدات متعدد دارد، متفاوت است.» ۱۱۱ و ۱۱۲

به علت فراوانی مؤلفات مصنف و برای جلوگیری از اطاله کلام، از ذکر تک تک مؤلفات خودداری می کنیم و محققان گرامی را به مقدمه کتاب الاسرار المرفوعة ارجاع می دهیم. ۱۱۳



۱۰۸. الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعه، مقدمه، ص ۹.

۱۰۹. همان، ص ۱۸.

۱۱۰. ر. ک: همان، مقدمه.

۱۱۱. همان، ص ۳۲.

۱۱۲. برای اطلاع از سایر کتاب های مؤلف ر. ک: هدیه العارفین فی اسماء

المؤلفین و آثار المصنفین، اسماعیل باشا البغدادی، ج ۱، ص ۷۵۱.

۷۵۳؛ الاعلام، الزرکلی، ج ۵، ص ۱۲.

۱۱۳. ر. ک: الاسرار المرفوعة فی الاخبار الموضوعه، ص ۲۳-۲۲.